

بررسی نقش و جایگاه معلمان در مدیریت سازمان های آموزشی جهت تربیت سیاسی و اجتماعی افراد

مرتضی زارع^۱

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، ارسنجان، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

Investigating the role and position of teachers in the management of educational organizations For the political and social education of people Morteza Zare

Master of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Arsanjan branch, Arsanjan, Iran

Abstract

The A good teacher lives with one idea in every case and everywhere, and that is to achieve the highest quality of education by every teacher. The purpose of writing this article is to examine the role and position of the teacher in educational and educational management and a role model in the political and social education of people. As the main pillar of these developments, the teacher is responsible for the all-round education of students, one of the most important aspects of which is political and social, and its meaning is independence, altruism, political thinking, etc. Education has unlimited boundaries and can play a role in political education as a social organization that interacts with other social systems. Education and training has many effects on the political system, the most important of which is the training of community leaders or the creation of ethnic unity, etc., and the role of teachers and education in social education can also be mentioned. Social education is the process of teaching a person how to be an active and contributing citizen.

Keywords: School, socialization, political education, social education

چکیده

معلم خوب، در هر حال و در همه جا با یک اندیشه زندگی می کند و آن، کسب بالاترین کیفیت آموزشی توسط هر متربی است. هدف از نگارش این مقاله بررسی نقش و جایگاه معلم در مدیریت آموزشی و پرورشی و الگویی در تربیت سیاسی و اجتماعی افراد است. معلم به عنوان رکن اصلی این تحولات وظیفه تربیت همه جانبه دانش آموزان را برعهده دارد که از مهم ترین جنبه های آن سیاسی و اجتماعی می باشد و مفهوم آن استقلال، نوع دوستی، تفکر سیاسی و... است. آموزش و پرورش دارای حد و مرزی نامحدود است و در تربیت سیاسی می تواند به عنوان سازمانی اجتماعی که کنشی متقابل با سایر نظام های اجتماعی دیگر دارد، ایفای نقش کند. آموزش و پرورش تاثیرات بسیاری بر نظام سیاسی دارد از جمله مهم ترین آنان تربیت رهبران جوامع یا ایجاد وحدت قومی و... می باشد. نقش معلم و آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی هم قابل ذکر است. تربیت اجتماعی فرایندی است که به انسان می آموزد چگونه فردی فعال و شهروندی مشارکت کننده با اعضاست.

کلمات کلیدی: مدرسه، اجتماعی شدن، تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی

۱. مقدمه

هر گونه تحول اساسی در جامعه مستلزم متحول شدن نظام آموزشی آن جامعه است و محور اصلی پیشرفت هر نظام آموزشی کیفیت عملکرد معلم می باشد. معلم به عنوان مهمترین رکن تعلیم و تربیت در تربیت ابعاد آموزشی، اعتقادی، عاطفی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و... دانش آموزان مستقیماً دخالت دارد؛ در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه نقش به سزایی ایفا می کند.

مهمترین پایه توسعه و پیشرفت در یک نظام جامعه، نظام آموزشی است و در این نظام، از بدو ورود تا آخرین دوره های تخصصی، اخلاق علمی، اخلاق اجتماعی، برداشت از منافع شخصی و اجتماعی شیوه برخورد با معضلات و غیره بطور مستقیم و غیر مستقیم آموزش داده می شود. بالاترین سرمایه گذاری ها و کیفی ترین برنامه ریزی ها باید در نظام آموزش و پژوهشی یک کشور اجرا شود زیرا نتیجه مستقیم آن در کار اجرایی، تصمیم گیری و سیاست گذاری منعکس می شود. اگر نظام آموزشی جدی گرفته شود، علم، معرفت و تحقیق نیز به نوبه خود به جامعه راه پیدا می کند و پشتوانه همیشگی تصمیم گیری ها می شود. اندیشه ها، برخوردها، روشهای نو و بدیع و خلاق همگی از نظام آموزشی مایه می گیرد (سریع القلم، ۱۳۷۲).

مفهوم معلم با مفاهیم مشابه خود همچون واژه مدرس این تفاوت اساسی را دارد که فقط صرف تدریس در کلاس هدف معلم نیست. هدف معلم تربیت همه جانبه دانش آموزان است. معلم با روح و روان دانش آموز سر و کار دارد؛ کار او شکوفا ساختن استعدادها و دانش آموز است. تربیت سیاسی و اجتماعی که جنبه های مختلف مهمی از تربیت محسوب می شود شامل ابراز وجود و خود باوری، استقلال و خود پنداری و خود رهبری، نوع دوستی، تفکر و بینش سیاسی و احساس هویت و... می شود که نهادها و عوامل مختلفی مانند خانواده، مدرسه و تجربیات فرد و رفتارهای مسئولین، مطبوعات و صدا و سیما و دیگر رسانه های عمومی متولی این امر مهم و حیاتی در درون نظام می باشند. جوان خوب تربیت یافته آرزوهای بلند و منطقی و امید رادر خود ایجاد شده می بیند و باعث می شود از محدوده مسائل عادی خارج شده و فراتر رفته و برای رسیدن به آن همه نیرو و توان خود را به کار اندازد و از همه امکانات موجود در جامعه بهره جوید و این موضوع

موجب می شود تا برابند فعالیت های اجتماعی افراد بویژه جوانان مثبت باشد و افزایش رضایتمندی سیاسی و اجتماعی و در نتیجه مسئولیت پذیری را در پی داشته باشد که این خود موجب افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در نظر فرد شده و به تبع آن استحکام پایه ها و چهارچوبهای نظام سیاسی در پی خواهد داشت.

دانش و مهارت معلمی را از چند جنبه می توان بررسی و تحلیل کرد و ما بر اساس تعیین موضوع نقش و جایگاه معلم در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان در مدارس صرفاً جنبه تربیت اجتماعی و سیاسی با فرهنگ اسلامی را مد نظر داشته چرا که این موضوع یکی از مهمترین رسالت ها و مسئولیت های معلمین در عرصه حیات آموزشی شان تلقی می گردد، آیا که معلمین به عنوان متولیان امر تعلیم و تربیت باید خود از ارزش ها و هنجارها پیروی کنند و از سجایای اخلاقی برخوردار باشند؟

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲.۱ تربیت سیاسی

با توجه به اختلاف در مفهوم تربیت و سیاست، تعاریف متفاوتی نیز از تربیت سیاسی شده است. جان الیاس در بیان مفهوم تربیت سیاسی می نویسد: تربیت سیاسی پرورش فضایل، دانش و مهارت های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است (جان، ۱۳۸۵) و اموری همچون تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد یک همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی از جمله اهدافی است که برای تربیت سیاسی ذکر می کند (جعفری، ۱۳۶۹).

۲.۲ نقش آموزش و پرورش در نظم سیاسی

تعیین حد و مرز آموزش پرورش کار دشواری است بخشی از این دشواری بخاطر فراگرد آموزش و پرورش است که نه فقط در یک نهاد اجتماعی یعنی مدرسه بلکه عملاً در همه نهادها اجتماعی، یعنی دین، خانواده، گروه همسالان، گروه کار، حزب سیاسی اتفاق می افتد. به نظر برخی می توان درباره آموزش و پرورش به عنوان یک نظام اجتماعی

که این گروه‌ها می‌کوشند تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تحت تاثیر قرار دهند مثل انجمن‌های دانشجویی (علاقه‌بند، ۱۳۸۲)

جامعه‌پذیری سیاسی چون دیگر اشکال و چهره‌های جامعه‌پذیری، در یک پروسه و جریان مستمر شکل می‌گیرد. عوامل مختلف، با سهم‌های متفاوت در شکل‌گیری شخصیت سیاسی فرد، مؤثرند. بی‌تردید، برای یک نظام سیاسی، این نکته حائز اهمیت است که از عوامل مؤثر، سود جوید تا بتواند شخصیت سیاسی شهروندان را متناسب با نیازها و آرمانهای سیاسی نظام، شکل دهد. برخی از جامعه‌شناسان، عوامل شکل‌گیری شخصیت سیاسی فرد را، به دو دسته تقسیم کرده‌اند. دسته نخستین عوامل اولیه جامعه‌پذیری سیاسی است که در این بخش، تماس‌های نزدیک و چهره‌به‌چهره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را محقق می‌کند. عواملی چون خانواده، گروه همسال و ... در این بخش می‌گنجد. دسته دوم، عواملی که تماس‌های چهره‌به‌چهره و نزدیک، نقش چندانی در آن ندارند. عواملی مانند: مدرسه، احزاب، اتحادیه‌ها، رسانه‌های گروهی و ...

نقش معلم، علاوه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، در جهت جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان هم تعیین‌کننده می‌باشد و معلم همواره به عنوان یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیر سیاسی دانش‌آموزان از طریق مدرسه است.

جامعه‌پذیری سیاسی (پرورش سیاسی) بعدی از پرورش اجتماعی است که عبارتست از آموزش افراد و آشنا ساختن آن‌ها با ارزش‌های سیاسی یک جامعه، به عبارت دیگر جامعه‌پذیر سیاسی زیر بنای ارزش‌های سیاسی و مروج و نگاه‌دارنده فرهنگ سیاسی خاص ملت ماست بطور کلی جامعه‌پذیر سیاسی را می‌توان در رفتارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان اعم از رای‌دادن، حمایت از احزاب سیاسی، شرکت در مجامع صنعتی، مشارکت اجتماعی و سیاسی اعتماد نسبت به مسئولان و همبستگی نسبت به نظام مشاهده کرد.

نظام آموزشی و یا سیستم تعلیمی و تربیت رسمی در هر جامعه مهم‌ترین نقش را در جامعه‌پذیری افراد دارد که از طرق مواد درسی، مواد آموزشی، فعالیت‌های تشریفاتی و همچنین معلمان این فرایند صورت می‌پذیرد. اما معلم به دلیل برخورد مستقیم با دانش‌آموزان در خلال سال‌های

اندیشید که جایگاه آن در مدارس است و با سایر نظام‌های اجتماعی یعنی نظام اقتصادی، نظام سیاسی و.. کنش‌های متقابلی دارد.

۲.۳ کارکردهای سیاسی آموزش و پرورش:

- جامعه‌پذیری سیاسی جوانان و آشنا سازی آنان با فرهنگ سیاسی.
- گزینش، جذب و آموزش رهبران و کارگزاران سیاسی.
- القای فرهنگ سیاسی و ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه.
- ایجاد زمینه برای تشکیل سازمانهایی که در جامعه نقشهای سیاسی ایفا می‌کنند.

۲.۴ تاثیر آموزش و پرورش بر نظام سیاسی دو حالت دارد:

۱. خارج از نظام از راه فراهم کردن درونداد حمایت و پشتیبانی برای نظام سیاسی
۲. از داخل نظام به عنوان نظام فرعی که برونداد یا نتایج آن ممکن است به طرز کار خود نظام سیاسی اثر بگذارد.

مدرسه، مشروعیت اقتدارنظام سیاسی را انتقال می‌دهد به کودکان می‌آموزد که نماد سیاسی کشور خود را بپذیرند و نسبت به اقتدار سیاسی و حکومت وفادار باشند. از این رو هر وقت که جهت‌گیری‌های مردم موافق با نظام است احتمالاً موجودیت آن حفظ می‌شود و هر گاه عکس این موضوع باشد، نظام از هم فرو می‌پاشد یا خود را دگرگون می‌سازد تا بتواند پاسخگوی تقاضاهای جدید باشد. آموزش و پرورش می‌تواند به تغییر در نظام سیاسی از طریق کارکرد تربیت اعضای جدید کمک کند مثل گزینش و تربیت رهبران سیاسی که در کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد. شکاف بین نخبگان و توده مردم زمانی اتفاق می‌افتد که فرزندان افرادی که مقامات مهم را دارند و با حکومت سازگار هستند در مدارس راه می‌یابند که شکافی بین نخبگان و توده مردم شکل می‌گیرد که به این وسیله افراد نامطلوب غربال می‌شوند. مدرسه عامل مهمی در وحدت قومی به شمار می‌آید به ویژه برای کشورهایی که تازه به استقلال رسیده‌اند و دارای جمعیت ناهمگون از لحاظ زبان یا قوم می‌باشند. آخرین کارکرد سیاسی آموزش و پرورش رسمی از گروه‌های ذی نفع است

شود، بلکه از طریق پرورش و آموزش اجتماعی به یک شخص تبدیل می شود. کودک در لحظه تولد، یک ارگانسیم است و فقط بر اثر فراگرد تأثیرپذیری از بزرگسالان، از طریق پرورش و القای مجموعه ارزش های اجتماعی و الگوهای رفتاری، به یک شخص یا انسان اجتماعی تحول یافته، قادر به ایفای نقش های اجتماعی و کار و خلاقیت می شود.

۲.۷ تربیت اجتماعی

در تعریف جامعه پذیری گفته می شود: «فرآیندی است که به انسان می آموزد که چگونه در جامعه به عنوان یک عضو فعال مشارکت کند، با اعضا همکاری کرده و از هنجارهای پذیرفته شده از سوی جامعه پیروی کند» (پریخ، ۱۳۸۶).

با استفاده از مباحث مطرح شده در جامعه شناسی و نیز بهره گیری از مسایل تربیتی، می توان تربیت اجتماعی را اینگونه تعریف کرد: تربیت اجتماعی عبارت است از تأمین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش ها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد به منظور موثر بودن او در برخوردهای اجتماعی اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیر منطقی، توافق و سازگاری و امور نظیر آن ها دادستان (پریخ، ۱۳۸۶).

و روش های تربیت اجتماعی را می توان همان ابزارهایی دانست که به کمک آنها می توان مسئله اجتماعی شدن افراد یک جامعه را اجرا کرد (افخمی اردکانی، ۱۳۸۶)

۲.۸ مقبولیت و اعتبار معلم

معلم سعی کند با رفتار درست و مطابق گفتار، اعتبار خود را نزد دانش آموزان بالا ببرد. اگر دانش آموز معلم را به عنوان یک شخصیت معتبر و مورد احترام بپذیرد، سعی می کند که گفته های او را خوب گوش بدهد و بپذیرد و در رفتار و کردار خود عملی کند و حتی رفتار معلم را الگوی رفتار خویش قرار دهد. بدیهی است که عکس این مطلب نتیجه ی عکس خواهد داد. بهترین راه کسب اعتبار برای معلم، همان راهی است که معلمان بزرگی مانند پیامبران الهی و پیشوایان دین از آن استفاده می کردند، یعنی عمل به گفته های خود یا پیروی از اصل کردار مطابق گفتار. از امام علی (ع) روایت شده: «کسی که خود را در جایگاه راهنما و معلم دیگران قرار می دهد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود پردازد و در مقام تربیت

سازنده زندگی و همچنین نفوذ قابل توجه بر تفکرات سیاسی آنان، نقش تعیین کننده ای در این راستا دارد. از نظر دانش آموز، معلم سخنگوی توانای جامعه است. معلم اولین الگوی اقتدار سیاسی می باشد که دانش آموز با آن مواجه می شود چگونگی اعمال این اقتدار جدید توسط دانش آموز با مقایسه با پدر شناخته می شود. علاوه بر موقعیت اقتدار در کلاس، معلم همچنین، از احترام عمومی در جامعه اش برخوردار است. مخصوصاً در مناطق روستایی، مردم به معلم به عنوان منبع تمدن و فرهنگ می نگرند حتی در بعضی مناطق، معلم از شخصیت نمائیدگی حکومت بهره می برد. او عموماً به عنوان مدل رفتاری و ارزشی اجتماع مورد احترام است. برای بررسی روند تأثیر معلم بر فرایند جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان، باید مسائل زیر را در مورد آنان در نظر بگیریم.

- بطور کلی دانش آموزان تا چه اندازه ای راجع به کارکرد نظام سیاسی آشنایی دارند؟
- شناخت دانش آموزان راجع به عوامل تصمیم گیری با چهره های سیاسی چگونه است؟
- دانش آموزان تا چه اندازه در جریان مسائل جاری کشور قرار دارند؟
- میزان مشارکت سیاسی دانش آموزان (شرکت در انتخابات، شرکت در راهپیمایی ها و شرکت در مراسم ملی و مذهبی) چگونه است؟ (تقوی، نعمت الله، ۱۳۸۲).

۲.۵ اجتماعی شدن یا جامعه پذیری

اجتماعی شدن یا جامعه پذیری مفهومی است که به توصیف و تبیین چگونگی رفتارهایی می پردازد که فرد را قادر می سازد تا با فرهنگ جامعه خودش سازش یابد. در واقع، جامعه پذیری «فرآیندی است که بر اساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند» (افخمی اردکانی، ۱۳۸۶).

۲.۶ جامعه پذیری به عنوان یکی از کار کرد های آموزش و پرورش

انتقال ارزش ها، گرایش ها، هنجارها و آداب رسوم فرهنگی و اجتماعی، به منظور اجتماعی کردن نسل های جدید جامعه صورت می گیرد. اساس جامعه پذیری بر این واقعیت استوار است که انسان به صورت شخص زاده نمی

دیگران، پیش از تربیت به زبان به تربیت با عمل همت گمارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

۲.۹ نقش آموزش و پرورش در تغییر اجتماعی :

آموزش و پرورش می تواند کارگزار یا عامل تغییر باشد، یا شرط و لازمه تغییر در جامعه، یا نتیجه و معلول تغییر در سایر نهادهای اجتماعی که با آموزش و پرورش روابط و کنش های متقابل نزدیک دارند(علاقه‌بند، ۱۳۸۲). برای اینکه آموزش و پرورش، در نقش عامل تغییر عمل کند، لازم است که آشکارا، بصورت هدف یا کارکرد نظام آموزشی، در جهت گیری ها، برنامه ها و فراگردهای آموزش و پرورش، بازتاب پیدا کند. در صورتی که تغییر در بخشی از جامعه، لزوماً یا عملاً آموزش و پرورش را نیز درگیر کرده ، بر آن اثر کند و آموزش و پرورش همراه با عوامل دیگر، به تغییر اجتماعی کمک برساند به منزله شرط و لازمه تغییر تلقی خواهد شد. دگرگونی و تغییر اساسی در ساختار اجتماعی جامعه، یقیناً تمام نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد؛ زیرا جامعه گرایش هایی به سوی انسجام و استحکام دارد، بطوریکه تاثیرات، فشارها و دگرگونی های اجتماعی در همه نهاد های آن منعکس می شود که در این جا به عنوان نتیجه یا معلول تغییر قلمداد می شود.

لذا برای اینکه آموزش و پرورش آموزشگاهی بتواند پیشاهنگ تغییر اجتماعی شود، قبلاً لازم است که در سطح جامعه عمومیت پیدا کند، تأثیر آن بر افراد جامعه مداومت داشته باشد و بالاخره با ساختار شغلی در جامعه دارای رابطه متعادلی باشد.

۲.۹ معلم و توسعه اجتماعی

عوامل موثر در جامعه پذیری افراد، خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی، گروه های همسال و رسانه های همگانی است که امروزه با توجه به صنعتی شدن جوامع خانواده بعنوان اصلی ترین عامل جامعه پذیری کارکردهای خود را از دست داده و به جای آن نقش اصلی به مدرسه واگذار شده است.

مدرسه یک موسسه اجتماعی کردن است که در آن دانش آموزان خود را از پیوند های عاطفی بر قرار شده در حین جامعه پذیری اولیه در خانواده جدا می کنند؛ و هنجارها و ارزش های کل جامعه را که از هنجارها و ارزش های خانواده عام تر هستند، درونی می کنند. در رده مدرسه،

دانش آموزان صلاحیت رسمی و توانایی فنی کسب می کنند علاوه بر این، دانش آموزان نوعی احساس مسئولیت برای ایفای نقش ها و نوعی انگیزه کسب می کنند که آنها را قادر می سازند تا توقعات دیگران را در مورد ایفای نقش بر آورده نمایند.[۱۰]

بطور کلی در روند جامعه پذیری دانش آموزان، معلم همواره مهمترین نقش را ایفا می کند که برخی از مهمترین کارکردهای معلم در این راستا عبارتند از :

۲.۱۱ معلم به عنوان الگوی دانش آموز :

دانش آموز با افزایش مهارت های ارتباطی، در نقش معلم ظاهر می شود که رفتار و حرکات معلم را تکرار می کند و حتی در قالبی تصنعی به همکلاسی هایش درس می دهد. او در ضمن ایفای این نقش تازه، به گونه ای موقتی ویژگی های یک معلم را به خود می بندد که این خود در جامعه پذیری مثبت دانش آموزان با بهره گیری از کارهای درست معلم موثر می باشد .

۲.۱۲ معلم به عنوان وسیله ای برای انتقال میراث

فرهنگی :

گرچه معلم تنها عامل انتقال میراث فرهنگی نمی باشد و عوامل متعدد دیگری دخالت دارند؛ ولی نقش وی تعیین کننده است، زیرا معلم با شیوه های مختلف سعی می کند گذشته تاریخی، افتخارات ملی و مسائل متعددی را که باید نسب به نسل منتقل شود، به دانش آموز منتقل کند. در این راستا عده ای معتقدند که معلم سه ویژگی مهم دارد :

۱. از یک سو مولد نور است و راهنمای زندگی .
۲. از سوی دیگر، عامل انتقال و گسترش نوری که نسل های کهن تولید کرده اند .
۳. از سوی سوم ، نگهدار نوری که در طول تاریخ توسط اندیشه وران فراهم آمده است (فولکرلنهارت، ۱۳۸۰).

۴. بحث و نتیجه گیری

آموزش و پرورش، بیش از هر زمان دیگری به عنوان رکن اصلی توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه قلمداد می شود و به منزله قدرتمندترین ابزار شکل دهی آینده و شیوه ای برای درک و تسلط بر تغییرات، پایداری و تداوم

یادگیری اجتناب ناپذیر است، توجه به قابلیت های پژوهندگی معلم در کلاس درس بر این اساس که ساخت و ساز دانش حرفه ای معلم در جریان تدریس، ظهور و بروز پیدا می کند (پژوهش در عمل) و نیز برنامه ریزی اصولی برای بهسازی نظام تربیت معلم، آموزش و بازآموزی معلمان، از جمله عواملی است که می تواند در تبیین و تعریف نقش حرفه ای معلم، به منزله کارگزار فکور و اندیشه ورز، مؤثر باشد. در چنین زمینه ای، نقش معلم این است که امکان تجربی - عملی و معنادار، روش های مبتنی بر اکتشاف، کارگروهی، ارتقای نظام های ارزشی سودمند، فرصت هایی برای خلاقیت و ارزیابی مستمر فراهم آورد و اصلاح معیارهای فردی را امکان پذیر سازد. از این رو، وجود معلم فکور در آموزش و پرورش دموکراتیک و نظامی که بر «خود - یادگیری»، «خود - آموزی» و «یادگیری چگونه یاد گرفتن»، تأکید می کند، دارای ارزش زیادی است. علاوه بر آن، به لحاظ حساسیت و ظرافت نقش و عمل معلم در فرایند تربیت و تدریس باید اجرای چنین راهبردهایی با فوریت و جدیت در دستور کار نظام آموزشی قرار گیرد و در برابر بزرگی و عظمت عمل، تن به انفعال داده نشود، گرچه این توصیه ها ممکن است یک جهت گیری آرمانی تلقی شود، ولی باید باور داشت که:

تا آرمانی وجود نداشته باشد، تصور محقق شدن آن آرمان، دیگر معنایی نخواهد داشت. همچنین با توجه به اینکه اولین اجتماعی که کودکان پس از خانه و خانواده وارد آن می شوند مدرسه و محیط کلاس و آشنایی با معلم می باشد و مهم ترین دوره شکل گیری شخصیت کودک نیز در دوره ابتدایی است پس مدرسه و مهم تر از آن نقش معلم در شکل گیری افکار و عقاید کودک حائز اهمیت است. با مرور تعاریف و فواید و نقش مستقیم تربیت اجتماعی و سیاسی در زندگی هر دانش آموزی مشخص است که بدون انجام این امور تربیتی، دانش آموزان در آینده در برخورد با مسائل و رویداد های سیاسی و اجتماعی با مشکل مواجه خواهند شد. می توان دریافت که به این موضوع نه تنها آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم ترین نهادها در امر تربیت فرد بلکه رفتار و شخصیت معلم نیز در رفتار و تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموز تاثیر دارد و با توجه به اینکه در روند جامعه

تاریخ و فرهنگ به شمار می رود که نقشی محوری در افزایش ظرفیت و توان تولیدی جامعه ایفا می کند. این موضوع، برای جوامع پویا که خواهان تغییرات اساسی و بنیادی هستند، به خوبی پذیرفته شده است. لیکن در بررسی و نگاه به درون نظام آموزشی، ضمن آنکه باید نوعی نگرش نظام مند داشت، می توان نقش معلم را ممتاز نمود. با عنایت به دلایل بی شمار، معلم و دانش آموز به عنوان دو قطب محوری آموزش و پرورش، مطرح می شوند و نقش معلم همانا ایجاد انگیزه، هدایت و تشویق یادگیرندگان به یادگیری است تا در پرتو راهنمایی های داهیان و فکورانه وی، دانش آموزان، خود راهنمای خویش شوند (فولکرلنهارت، ۱۳۸۰). بنابراین می توان بر این نکته به جد تأکید کرد که کیفیت و قابلیت های معلمان شاغل در نظام آموزشی، آینه تمام نمای کیفیت آموزش و پرورش می باشد (پریخ، ۱۳۸۶). نظام های آموزشی باید به خوبی دریابند که نمی توان به تحقق عملی هیچ هدف یا نوآوری در آموزش و پرورش دل بست، مگر آن که تغییرات متناسب با آن، پیشاپیش در معلمان به عنوان کارگزاران اصلی تغییر و تحول، به وقوع پیوسته باشد. در نتیجه، بازاندیشی درباره نقش معلم، اقدامی حیاتی و فوری است. هر چند شناسایی معلم به عنوان فاعل و عامل اصلی تعلیم و تربیت به طور عام و تدریس و پژوهش به طور خاص، با توجه به شرایط کنونی، غیرمنطقی و یا آرمانی جلوه می کند، ولی به جهت ظرفیت و استعداد های معلمان و نقش نافذ آنان در نظام تربیتی، شایسته توجه و اهتمام است. به منظور ایفای نقش حرفه ای و فکورانه معلم، باید تمهیداتی فراهم شود که در این مقاله، برخی از آنها عنوان شده است و سه راهبرد که عبارتند از: «توجه به تدریس به منزله مؤلفه ای هنری»، «تقویت ویژگی پژوهندگی در معلم» و «اصلاح نظام تربیت معلم، بهسازی آموزش ها و بازآموزی» به طور مبسوط مورد بحث قرار گرفت. برآیند مباحث، مؤید آن است که تفکرزدایی از جریان تدریس و القای مفهوم تدریس منهای تفکر، چشمداشت عمل معلم بر اساس آنچه از قبل تعیین و تعریف شده است، رواج و به کارگیری روش مکانیکی و یادگیری از نوع تک حلقه ای، مغایر با روح تربیت و یادگیری است. در حالی که، مداخله یا وساطت زیبایی شناسانه، هنرمندانه و فعال معلم، در فرایند یاددهی -

خصوصاً جنبه های منفی شخصیت در حضور

جمع اجتناب ورزد.

۱۰. به عنوان یک الگوی رفتاری باید در افکار و

اعمالش ثبات داشته باشد و تصمیم گیری او

متأثر از حالات هیجانی او نباشد.

۶. منابع

- الیاس، جان، ۱۳۸۵، فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبد
الرضا ضرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی (ره)
افخمی اردکانی، محمد علی، ۱۳۸۶، تبیین روش های
تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، فصلنامه نهج البلاغه،
شماره ۲۱ و ۲۲، بهمن ۱۳۸۶، صفحه ۱۶
ایمانی، محسن، ۱۳۶۶، تربیت اجتماعی، فصلنامه تربیت،
شماره ششم، سال سوم، اسفند ۱۳۶۶، صفحه ۳۱
بیات، سهراب، ۱۳۸۲، روانشناسی اجتماعی، چاپ اول،
تهران، انتشارات مهرداد
تقوی، نعمت الله، ۱۳۸۲، جامعه شناسی خانواده، چاپ
اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۹، حکمت اصول سیاسی اسلام،
قم، بنیاد نهج البلاغه
دادستان، پریرخ، ۱۳۸۶، مقاله در روانشناسی، تهران،
انتشارات سمت
سریع القلم، محمود، ۱۳۷۲، عقل و توسعه یافتگی،
تهران، انتشارات سفیر
علاقه بند، علی، ۱۳۸۲، جامعه شناسی آموزش و پرورش،
چاپ سی و دوم، تهران، نشر روان
فولکرلنهارت، فیلیپ اگرس، ۱۳۸۰، آموزش از دیدگاه
جامعه شناسی، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۸، صفحه ۲۱
مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت،
جلد ۱۰۳، ص ۲۵۵

پذیر و سیاست پذیر شدن دانش آموزان، معلم همواره
مهمترین نقش را ایفا می کند پس تربیت هر فراگیر در
هر مجموعه آموزشی وابسته به رفتار و نوع تربیت خود
رهبران آن مجموعه می باشد که مدرسه نمونه کوچک و
مهمی از این مجموعه ها در امر تربیت و شخصیت پروری
فرد است.

۵. پیشنهادات پژوهش

معلم باید:

۱. اصلاح آموزش شود (تربیت معلم) و توجه
خاص به آموزش های ضمن خدمت داشته
باشد.
۲. در ایجاد شرایط و امکانات پژوهشی بکوشد تا
دائم علم و دانش خود را در زمینه اجتماعی و
سیاسی بیفزاید.
۳. خوبی ها را افشا کند و بدی ها و عیب ها را
بپوشاند و زشتی را آشکار نکند زیرا این خود
باعث می شود که بدی ها و زشتی های فاعل
عمل کم شود.
۴. متواضع و فروتن باشد و از کبر و عجب پرهیز
نماید و از انجام اموری که در عهده و توانایی او
نیست خودداری کند .
۵. از فراگرفتن چیزی که نمی داند استنکاف
نماید و تصنع و صحنه سازی نسبت به چیزی
که می داند بکار نبرد .
۶. در کلاس به جهت رشد و شخصیت اجتماعی
دانش آموزان به اصول ارتباط کلام توجه کافی
بنماید.
۷. دارای ثبات عاطفی باشد که بهترین عامل جلب
اعتماد دانش آموزان نسبت به معلم می باشد
۸. در هنگام رسیدگی به رفتارهای نابجا و یا در
هنگام تغییر رفتار دانش آموزان به زمینه اساسی
و احتیاجات او توجه نماید .
۹. دانش آموز را به عنوان یک انسان قبول داشته
باشد و او را درک کند از ارزشیابی شخصیتی او

